

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی پری میسان- parThierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۲۱ اپریل ۲۰۱۴

پایان کارائی تبلیغات ایالات متحده

امپراتوری انگلوساکسون از یک قرن پیش با تکیه بر تبلیغات عمل کرده است و بر همین اساس بوده که باورهای ما را تحت تأثیر قرار داده، که گوئی ایالات متحده «کشور آزادی» و تنها برای دفاع از آرمان های والای خود دست به جنگ زده است. ولی بحران کنونی در رابطه با اوکراین قاعده این بازی را متحول ساخت: از این پس واشینگتن و هم پیمانانش تنها نویسندگان تاریخ و سخنرانان جهان نیستند و دروغ پردازی هایشان توسط دولت و رسانه های یک دولت قدرتمند دیگر — روسیه — دائما افشاء می شود. در حال حاضر به دلیل وجود ماهواره ها و اینترنت، تبلیغات انگلوساکسون دیگر مثل گذشته نیست و کارائی خود را از دست داده است.

شبكة ولتر | دمشق (سوریه) | ۱۸ اپریل ۲۰۱۴

بارک اوباما به دقت سخن می گوید. در واقع، رئیس جمهور امریکا متن سخنرانیهایش را خود او نمی نویسد، و سخنرانی های روزمره اش را به شیوه «تله پرامپتر» برگزار می کند که دیگران نوشته اند. در این مدت دیگران به جای او حکومت می کنند.

از همیشه دیرباز حاکمان برآن بودند تا قانونیت و حقانیت اعمال خود را در باورهای ما نفوذ دهند، زیرا می دانستند که توده های مردم هرگز از مردان خبیث تبعیت نمی کنند. قرن بیستم صحنه نمایش روش های نو تبلیغات برای نظریاتی بود که در صحنه آرائی هایش جایی برای حقیقت نداشت. غربی ها ترفندهای تبلیغات مدرن را تنها به «جوزف گوبلز» وزیر نازیست نسبت می دهند و محدود می دانند. این دیدگاه تاریخی که می خواهد هنر تحریف درک واقعیات را تنها به نازی ها منحصرسازد، خود به تنهایی یکی از شیوه هائی است که می خواهد گسترش این هنر در گذشته دورتر را توسط انگلوساکسون ها به فراموشخانه تاریخ بسپارد.

سال ۱۹۱۶، انگلستان «ولینگتون هاووس» (۱) در لندن و سپس «کرو هاووس» (۲) را ایجاد کرد. هم زمان، ایالات متحده «هیأت اطلاعات عمومی» (۳) را بنیانگذاری کرد. این هیأت اطلاعاتی بر آن بود تا نشان دهد که جنگ اول جهانی توده های مردم را در مقابل یک دیگر قرار داده و نه ارتش ها، این سازمان نه تنها به تحریف افکار عمومی مردم امریکا اقدام کرد، بلکه همین روش را در مورد کشورهای هم پیمان و حتی کشورهای دشمن به کار بست.

تبلیغات مدرن با انتشار پرونده برایش (۴) درباره جنایات جنگی المان ها آغاز شد، که به سی زبان ترجمه و انتشار یافت. این پرونده نشان می داد که ارتش المان به هزاران زن در بلجیم تجاوز کرده است. در نتیجه ارتش بریتانیا علیه

بربریت می جنگد. در پایان جنگ اول جهانی کشف شد که تمام پرونده ساختگی بوده و با شهادت دروغ و کمک روزنامه نگاران، تدارک دیده شده بوده است.

جرج کریل در ایالات متحده اسطوره تازه ای را راه اندازی کرد که مبنی بر آن گوئی که جنگ جهانی، جنگ صلیبی دموکراسی برای صلح و تحقق بخشیدن به حقوق بشریت بوده است.

تاریخ شناسان نشان داده اند که جنگ اول جهانی دلایل فوری و عمیقی داشته است که مهمترین آن رقابت قدرت های بزرگ در گسترش سرزمین های استعماری تحت سلطه امپراتوری خود بوده است.

دفترهای بریتانیایی و ایالات متحده سازمان های سرّی بودند که به حساب دولت هایشان فعالیت می کردند. خلاف تبلیغات لنین که خواست نهائی اش « آشکار ساختن حقیقت » برای توده های ناآگاه بود، آنگلساکسون ها در پی فریب توده ها و تحریف افکار عمومی بودند و برای دستیابی به چنین هدفی، سازمان های دولتی آنگلساکسون می بایستی خودشان را پنهان می کردند و در پشت هویت تقلبی به فعالیت می پرداختند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، ایالات متحده تبلیغات را رها کرد و به جای آن برای روابط عمومی ارجحیت قائل شد. از این پس دروغ پردازیها متوقف گردید ولی دست و بال روزنامه نگاران را بستند تا تنها درباره چیزهایی که به آنها نشان داده می شد، بنویسند. طی جنگ کوزوو، ناتو آلستر کامپبل مشاور نخست وزیر بریتانیا را فراخواند تا روزانه داستان های آموزنده برای روزنامه نگاران تعریف کند و وقتی که روزنامه نگاران این داستان ها را باز تولید می کردند، متفقین با طیب خاطر می توانستند به مباران هایشان ادامه دهند. داستان ها کمتر دروغ پردازی بود و بیشتر به هدف منحرف ساختن توجهات روایت می شد.

با این وجود داستان نگاری طی ۱۱ سپتمبر با قدرت تمام به میدان آورده شد: هدف این بود که توجه عمومی روی سوء قصد نیویورک و واشینگتن متمرکز شود و کودتای نظامی که طی همان روز صورت گرفت، به شکل سرّی باقی بماند: یعنی انتقال قدرت مجریه از رئیس جمهور بوش به یک مؤسسه نظامی سرّی و سکنا دادن تمام اعضای پارلمان در مکان محافظت شده. این تحریف افکار عمومی از جمله کار «بنیامین رودز» بود که امروز مشاور بارک اوباما می باشد.

طی سال های بعد، کاخ سفید سامانه تحریفگر افکار همگانی را با همکاری هم پیمانان اصلی اش راه اندازی کرد (بریتانیا، کانادا، استرالیا و صد البته اسرائیل). هر روز این چهار دولت دستورات و به عبارت دیگر سخنرانی های پیش نوشته را از سوی دفتر مرکزی رسانه های سراسری دریافت می کردند تا جنگ علیه عراق و تهمت زنی علیه ایران را قابل توجیه جلوه کند [۱].

برای پخش سریع دروغ پردازیهایشان، واشینگتن از سال ۱۹۸۹ روی «سی. ان. ان.» (۵) تکیه می کرد. با گذشت زمان، ایالات متحده یک کارتل از شبکه رسانه های ماهواره پایه ایجاد کرد (ال-عربیه، ال-جزیره، بی. بی. سی، سی. ان. ان.، فرانس ۲۴، اسکای) (۶).

سال ۲۰۱۱ هنگام بمباران طرابلس، ناتو غافلگیرانه لیبیایی ها را متقاعد ساخت که جنگ را باخته اند و مقاومت در مقابل آنها بیهوده خواهد بود. ولی سال ۲۰۱۲ ناتو در بازتولید چنین روشی، نتوانست سوری ها را متقاعد سازد که دولت آنها به شکل اجتناب ناپذیری در حال سقوط است و از هم فروخواهد پاشید. این شیوه نبرد شکست خورد زیرا سوری ها به تحریف کاریهایی که شبکه تلویزیون های بین المللی در طرابلس صورت عملی داده بودند آگاهی داشتند و خودشان را برای رویارویی با آن آماده کرده بودند [۲]. چنین شکستی را باید آغاز تک تازیهای کارتل رسانه ئی آنگلساکسون تلقی کنیم.

بحران کنونی بین واشینگتن و مسکو در رابطه با اوکراین دولت اوپاما را وادار ساخت تا دوباره ساخت و سازهایش را بازبینی کند. در نتیجه، واشینگتن دیگر تنها راوی گزارشات و رویدادهای جهان نیست، و باید با دولت و رسانه های همگانی روسی که به واسطه ماهواره و اینترنت در سطح جهانی فعال شده، مقابله کند. وزیر امور خارجه جان کری برای پاسخگویی به چنین نیازی، ریچارد استنگل سردبیر قدیمی «تایمز مگزین» را به عنوان معاون جدید برای تبلیغات برگزیده است [۳]. پیش از آن که روز ۱۵ اپریل قسم یاد کند، در این مقام فعالیت هایش را آغاز کرده بود و از ۵ مارچ « پرونده ای » درباره « ۱۰ ضد - حقیقت » که ولادیمیر پوتین در مورد اوکراین اعلام کرده بود [۴] را برای رسانه های آتلانتیست فرستاد. ۱۳ اپریل دومین پرونده « ۱۰ ضد-حقیقت دیگر » را منتشر کرد [۵].

آنچه در این نوشته موجب شگفتی می گردد، حماقت آن است. این نوشته بر آن است تا وقایع اوکراین را رسماً به عنوان انقلاب در تاریخ به ثبت رساند و دعوی روسیه مبنی بر حضور نازی ها در دولت جدید اوکراین را بی اعتبار جلوه دهد. امروز می دانیم که این به اصطلاح انقلاب، کودتائی بیش نیست که توسط ناتو توطئه چینی شده بود و توسط پولند و اسرائیل با ترکیبی از دستور کار « انقلاب رنگی » و « بهار عرب » به اجرا گذاشته شد [۶]. روزنامه نگارانی که پرونده ها را دریافت کرده بودند با آگاهی کامل به ضبط گفت و گوهای تلفونی معاون وزیر امور خارجه ویکتوریا نولاند و وزیر امور خارجه استونی اورماس پییتس (۷)، در مورد شیوه ای که واشینگتن می خواست خلاف منافع اتحادیه اروپا رژیم را تغییر دهد، و هویت واقعی تیراندازان ماهر در میدان مایدان، به فعالیت‌هایشان ادامه دادند. علاوه بر این، بعداً از افشاءگری های هفته نامه پولندی « نی » (۸) درباره آموزش شورشگران نازی در آکادمی پولیس پولند دو ماه پیش از آغاز رویدادها مطلع شدند. در نتیجه وقتی حضور نازیها در بطن دولت جدید اوکراین را نفی می کنند، مثل این است که مدعی شوند که در شب هوا روشن است. برای درک حقیقت نیازی نیست که به کی یف برویم، تنها کافی است که نوشته های وزاری جدید را بخوانیم و یا به حرف های آنها گوش کنیم [۷].

به طور مشخص، اگر دلیل و برهان های عرضه شده با توافقات رسانه های آتلانتیست به توهمات همگانی دامن زده است، ولی در مقابل شهروندان کنجکاو هیچ شانس ندارد. زیرا در جست و جویهای اینترنتی ترفند و تحریف کاملاً آشکار می گردد و بر این اساس اعتبار واشینگتن رو به افول خواهد گذاشت.

یگانه پندار مداری های رسانه های آتلانتیست در مورد ۱۱ سپتمبر افکار عمومی را در سطح بین المللی متقاعد ساخت، ولی تحت تأثیر کار روزنامه نگاران و شهروندانی که خود من نیز پیشگام آن بودم، ناممکن بودن روایت رسمی به اثبات رسید. سیزده سال بعد، صدها میلیون نفر به دروغ بودن آن پی بردند. این روند تنها در بطن ساخت و ساز تبلیغات نو ایالات متحده، می تواند گسترش یابد. سرانجام، تمام آنهایی که روایات و حکایات کاخ سفید را پی گیری می کنند، به ویژه دولت ها و رسانه های ناتو خودشان به دست خودشان اعتبار خودشان را از بین می برند.

بارک اوپاما و بنیامین رودز، جان کری و ریچارد استنگل تنها در کوتاه مدت عمل می کنند. تبلیغات آنها تنها طی چند هفته می تواند توده ها را در پی خود روان ساخته و به شورش وادارد، ولی زمان دیگری فرا می رسد که به ترفند پوشالی و نیرنگ پی می برند. ناخواسته، اعتبار مؤسسات دولت های ناتو را که آگاهانه آنها را هدایت کرده بوده اند، بی اعتبار می سازند. زیرا فراموش کرده اند که تبلیغات قرن بیستم موفقیتش را مدیون تقسیم جهان به بلوک هائی بود که با هم ارتباطی نداشتند، و روشن است که اصل تک محوری با امکانات نو رسانه ها سازگار نیست.

بحران اوکراین به پایان نرسیده است، ولی عمیقاً جهان را دچار تحول ساخته : ولادیمیر پوتین با مخالفت رسمی در حضور عمومی علیه رئیس جمهور ایالات متحده، گامی را پشت سر گذاشت که از این پس مانعی خواهد بود برای موفقیت تبلیغات ایالات متحده.

منبع:

Source

[Al-Watan \(Syrie\)](#)

- [1] « [Un réseau militaire d'intoxication](#) », Réseau Voltaire, 8 décembre 2003.
- [2] « [L'OTAN prépare une vaste opération d'intoxication](#) », par Thierry Meyssan, KomsomolskaïaPravda , Réseau Voltaire, 10 juin 2012.
- [3] « [Le rédacteur en chef de Time Magazine, nouveau patron de la propagande US](#) », Réseau Voltaire, 16 avril 2014.
- [4] « [Fiche documentaire du département d'État : 10 contre-vérités sur l'Ukraine](#) », Réseau Voltaire, 5 mars 2014.
- [5] « [Note aux médias du Département d'État : 10 contre-vérités russes à propos de l'Ukraine](#) », Réseau Voltaire, 13 avril 2014.
- [6] « [Ukraine : la Pologne avait formé les putschistes deux mois à l'avance](#) », par Thierry Meyssan, Réseau Voltaire, 17 avril 2014.
- [7] « [Qui sont les nazis au sein du gouvernement ukrainien ?](#) », par Thierry Meyssan, Réseau Voltaire, 2 mars 2014.

1) *Wellington House*

2) *Crewe House*

3) *Le Committee on Public Information (CPI),*

به مدیریت جرج کریل (۱۸۷۶-۱۹۵۳)، توسط رئیس جمهور توماس وودرو و ویلسون به سال ۱۹۱۷ هیأتی تشکیل شد تا افکار عمومی مردم امریکا را برای دفاع از سیاست جنگ تشویق کند.

4) *Bryce*

5) *CNN*

6) *Al-Arabiya, Al-Jazeera, BBC, CNN, France 24, Sky*

7) *UrmasPaets*

8) *Nie*

« زیر چشمان ما »

۷۸ مین واقعه نگاری سیاست بین المللی

« Sous nos yeux »

Vers la fin de la propagande états-unienne